

رجال صدر مشروطیت

-۱۰-

نصرت الدوله (شاهزاده فیروز میرزا)

پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما نصرت الدوله پسر عباس میرزا نایب السلطنه پسر فتحعلی شاه . در سنه ۱۳۱۷ که فرمان فرما از طهران بر حسب حکم مظفرالدین شاه تبعید بیغداد و کربلا گردید این فیروز میرزا را با دو پسر دیگرش برای تحصیل به بیروت فرستاد . بعد از چندین سال از بیروت بیاریس مسافرت کرد و در سال ۱۳۲۳ بطهران مراجعت کرد و به نیابت پدرش حاکم کرمان گردید ولی در مأموریت اول گویا خوب رفتار نکرد و اهالی کرمان فوق العاده شکایت کردند و بالاخره در اوایل مشروطیت (۱۳۲۴) معزولا بطهران آمد والی فتح طهران در ۱۳۲۷ در آنجا بود و بعد برای تکمیل تحصیلات ثانیاً بیاریس رفته و بعد از سال ۱۳۳۰ بطهران مراجعت کرد و بعد از چند ماه بمعاونت وزارت عدلیه منصوب گردید و در تاریخ ۱۳۳۰ در زمان ریاست وزرائی محمد ولی خان سپهदार اعظم بوزارت عدلیه منصوب گردید . سن او بیش از ۳۵ سال نیست . از جوانهای قابل تربیت شده ایران است .

نصیر الدوله میرزا احمد خان

میرزا احمد خان نصیر الدوله پسر میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله شیرازی معروف . از اوایل عمر مشغول خدمت دولت در وزارت خارجه گردید . سن او بیش از ۴۰ سال نیست . مدتی در بلژیک بعد از مأموریت میرزا جواد خان سعد الدوله در حدود سال ۱۳۲۲ بدست سفارت منصوب بود . در اوایل ۱۳۳۵ که میرزا حسن خان وثوق الدوله رئیس الوزراء و وزیر خارجه گردید بمناسبت نزدیکی که با او داشت (وثوق الدوله شوهر خواهر نصیر الدوله است) نصیر الدوله را بمعاونت وزارت خارجه منصوب نمود . در ادبیات ایرانی اطلاع کاملی دارد .

نظام السلطان غلامعلی خان

غلامعلی خان نظام السلطان پسر میرزا محمدخان بن میرزا آقاخان صدر اعظم نوری (میرزا محمد خان نوری پسر کوچک میرزا آقاخان نوری است که شرف الدوله دختر میرزا ابراهیم خان نظام الدوله را که سابقاً رئیس قشون اصفهان و در آخر ها رئیس توپخانه طهران بود بزنی گرفت و چون مشارالیه همین يك دختر را داشت تمول او تماماً باین دختر که مادر نظام السلطان باشد رسید و پس از فوت مادر تمامی این ثروت نظام السلطان و برادرش مؤید همایون را مسلم شد . پس از فوت مادر بواسطهٔ حدائت سن و نداشتن سرپرست قابل تمام دارائی را بیاد هوا و هوس داد . در دورهٔ سلطنت مظفرالدین شاه از اجزای خلوت و از مجارم مخصوص شاه بود . در ۱۳۲۱ حاکم مازندران بود و خیلی بدرستی و کفایت کار میکرد . در دورهٔ دوم مجلس شورای ملی از طرف مازندران

و کبیل گردید و در محرم ۱۳۳۴ با سایر و کلا برای مدافعه از قشون روس از طهران بقم حرکت کرد و بعد از چند روز داوطلبانه برای جنگ با روسها بساوه رفت (ساوه قصبه است بفاصله ۱۶ فرسخی شمال شرقی طهران). از آنجا پس از عقب نشینی با سایر مهاجرین بگرمانشاه آمده و از گرمانشاه (جمادی الثانیه ۱۳۳۴) بطهران رفته پس از چند ماه مأمور بروجرد و بعد حاکم کردستان و بالاخره در اواخر ۱۳۳۵ یا اوایل ۱۳۳۶ حاکم همدان شد و در این مأموریت هم از قرار معلوم کفایت و قابلیت بسزا بخرج داد خصوصاً در مسئله نان که قحط بود و راجع بقتل و غارت قشون روسی زحمت زیاد کشید. مشارالیه جوان بسیار قابل و بی طمع و قابل کارهای بالاتری است. سن او زیاد تر از سی سال نیست (شعبان ۱۳۳۶).

نظام السلطنه (رضا قلی خان)

سن او ۵۵ سال است. پسر حیدر قلی خان برهان الدوله مافی (مافی اسم ایلی است که حالیه در اطراف قزوین ساکن هستند. ایل مافی در زمان زندیه در فارس بودند و بطرفداری لطفعلی خان برضد آقا محمد خان جنگ میکردند. پس از شکست زندیه آقا محمدخان ایل را کوچ داده قدری را بطرف کرمانشاه و رؤسای آنها را در قزوین منزل داد و حبس نظر کرد. پس از مدتی از حبس نظر خارج شدند و بمراق رفتند. قلیخان که یکی از رؤسای آنها بود قلعه در نزدیک عراق بنا کرد و خیال سرکشی داشت. قبل از فوت محمد شاه او هم فوت کرد. یکی از آن خانهها که سابقاً از طرت دولت بر رؤسای ایل در قزوین داده شده هنوز در تصرف مهدی خان سعدالملک حالیه است). رضا قلیخان از سی سال باینطرف شروع بخدمت دولت کرد. در مواقع حکومتهای حسینقلی خان نظام السلطنه عموی خود اغلب بیشکاری او یا ریاست یکی از شعبه های شغل او را داشت. در تبریز و بنادر و طهران بشغلای مختلفه با نظام السلطنه مرحوم مشغول بود. تا سال ۱۳۱۶ لقب او مجیر السلطنه بود و در سال مزبور که ریاست قشون آذر بایجان را عهده دار گردید ب لقب سالار معظمی ملقب و بعد از آذربایجان شخصاً بحکومت بنادر جنوب منصوب گردید. در ۱۳۲۱ در مسافرت لرد کرزن بخلیج فارس حاکم بنادر بود و سالار معظم لقب داشت و در سال ۱۳۲۲ بحکومت لرستان و هرستان منصوب و ب لقب سردار مکرمی نائل شد. در ابتدای مشروطیت (۱۳۲۴) حکومت کرمان را با او دادند ولی نرفته منقصل گردید و در همین اوقات بود که حسینقلی خان نظام السلطنه مرحوم و او ب لقب نظام السلطنه گسی رسید. در سال ۱۳۲۹ بحکومت کرمانشاهان و از آنجا بحکومت فارس رفت و در شیراز پس از انقلاب اهالی برضد پسران قوام الملک شیرازی و کشته شدن قوام الملک پسر قوام الملک بزرگ امنیت دوباره فارس یکی از کارهای بزرگ معروف نظام السلطنه است. از شیراز بفرنگستان مسافرت کرد و قریب دو سال در فرنگستان و بیشترش را در سویس گذرانید. در ۱۳۳۱ بطهران مراجعت کرد و بعد از چند ماهی بحکومت بروجرد و لرستان منصوب شد و از طهران بروجرد مسافرت کرد. در سال ۱۳۳۳ که قشون روس برای حمله بخاک عثمانی از راه ایران شروع بتهیه کرد نظام السلطنه بنا بر حسیات وطن پرستی یا هرچیز دیگر با آتاشه میلیرت سفارت آلمان کنت کانتیز قراردادهای جدی گذارد و تهیه قشون کرد و برای مدافعه از قشون روس از بروجرد حرکت کرد و در حدود کرمانشاه (در ۱۳۳۴) شروع بجنگهای مختلف با قشون روس کرد. در همین موقع مهاجرین طهران که اغلب از و کلا و احرار بودند در صحنه بنظام السلطنه رسیدند و ریاست او را قبول کردند. از طرف برلین و اسلامبول نیز ریاست قوای ملی او را تصدیق کردند و شروع

بجنگلهای متوالی با روسها شد تا در جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ که ثانیاً قشون روس کرمانشاه را تصرف کردند بطرف کرکوک و موصل آمد و از آنجا باسلامبول آمد والی حال که جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ است در اسلامبول است .

نظام‌الملک

میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک پسر میرزا کاظم خان نظام‌الملک پسر میرزا آقاخان صدراعظم نوری (نور یکی از توابع مازندران است). در زمان حیات پدرش اغلب پیش کار همان اداره بود که پدرش ریاست داشت و مخصوصاً در سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۸ که پدرش وزیر لشکر بود او رئیس آن اداره بود . در سال ۱۳۰۸ خودش مستقلاً وزیر لشکر شد . در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه یک مرتبه حاکم شهر طهران گردید . در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه (۱۳۱۴) وزیرمالیه گردید. پس از این شغل ثانیاً حاکم طهران شد . در حدود سال ۱۳۱۹ پس از این والی ایالت فارس شد و بشیراز مسافرت کرد. در سال ۱۳۲۲ وزیر عدلیه شد . در سال ۱۳۲۴ در اوائل انقلاب ایران پیش کار ایالت آذربایجان بود. پس از بستن مجلس سال ۱۳۲۶ در کابینه میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزیر عدلیه گردید . پس از این مأموریت الی سال ۱۳۳۳ دیگر شغلی نداشت. در سال مزبور ثانیاً باز پیش کار آذربایجان و بهراهی شاهزاده محمد حسن میرزای ولیعهد عازم تبریز گردید و در این مأموریت هم دوامی نکرد. بعد از مدت کمی بهطهران مراجعت نمود و حالیه گویا درطهران بی‌شغل است (۱۳۳۶). نظام‌الملک یکی از اشخاصی بوده است که هیچ باوضاع جدید عقیده ندارد. سن او پیش از شصت سال است .



وثوق‌الدوله (میرزا حسن خان)

پسر میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه (۱). سن او متجاوز از ۴۰ سال است . سابقاً مستوفی آذربایجان و از اعیان زاده‌های معقول با کمال طهران محسوب میشد. در دوره اول مجلس ۱۳۲۵ از طرف تجار طهران وکیل گردید و بعد از چند ماهی بنیابت رئیس اول مجلس مفتخر شد و بعد بریاست کمیسیون مالیه در مجلس مأمور گردید (این کمیسیون مالیه اهمیتی داشت برای آنکه مأمور جرح و تعدیل حقوقات مردم بود) . پس از توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ بدون شغل در طهران زندگانی میکرد . در فتح طهران (۱۳۲۷) اول دفعه وزیر مالیه شد والی ۱۳۳۵ اغلب وزارت مالیه یا خارجه بهمه او بود . در سال ۱۳۳۵ بریاست وزراء منصوب گردید و بعد از ده ماه منقصل شد و حالیه که سال ۱۳۳۶ است در طهران بی‌شغل است . از اشخاص با هوش و فعال نمره اول ایرانست . کمالات عربی و فارسی او قابل تمجید است .

وحیدالملک (حاجی میرزا عبدالحسین خان)

پسر میرزا آقاخان پسر حاجی میرزا آقاخان پسر حاجی میرزا محمد مهدی حاکم کاشان پسر حاجی غفور شیبانی کاشانی (بنی شیبان طایفه معروفی از عرب بوده اند) . سن او متجاوز از چهل سال است . تحصیلات او چند سالی در هندوستان بوده و بعد برای تکمیل بلندن رفته . پس از اتمام

(۱) میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه پسر میرزا محمد قوام‌الدوله و او هم پسر میرزا تقی

قوام‌الدوله است.

تحصیلات مخبر روزنامه « تایمس » انگلیس گردیده بایران آمد (در حدود سال ۱۳۲۲). چون از اول عمر همیشه طرفدار آزادی ایران بود (و مخصوصاً برادر او میرزا علی محمد خان کاشی معروف پیروش مدیر جریده پرورش منطبقه مصر از معاریف منور الافکار دوره ناصری و مظفری بود) بمجرد ورود بایران با سایر احرار همقطار شد و مشغول کار شد . مقام ایشان خیلی قابل استفاده بود . گذشته از تربیات علمی برای خبرنگاری که اخبار را بر منافع ملیون و حقیقت واقع را باینکه برخلاف میل سفیر انگلیس در طهران بود بلندن مخابره میکرد و بهمین جهت بود که در سال ۱۳۲۷ موافق با دوره آزادی طهران از شغل مخبری خارج و از طرف ملیون و کیل طهران در مجلس دوم گردید و جزو فرقه دمکرات معرفی شد . و نیز در وزارت معارف در هیئت شورائی عضو گردید و معلم علم حقوق در مدرسه دارالفنون و زبان انگلیسی نیز گردید . پس از انفصال مجلس ۱۳۳۰ بدست ابوالقاسم خان ناصر - الملک از ایران تبعید گردید و بفرنگستان مسافرت کرد و مدت یکسال و نیم در اروپا بود . در سال ۱۳۳۲ بطهران مراجعت کرد و در مجلس سیم ۱۳۳۳ از طرف طهران وکیل شد . در محرم ۱۳۳۴ با هیئت اولیه مهاجرین از طهران خارج شد و همین طور مشغول کار بود تا عقب نشینی دوره اول کرمانشاه در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۴ ببنفداد آمد و از آنجا از طرف ملیون برای امورات ملی نماینده گردید و باسلامبول رفت و از آنجا بپرلین آمد و حالیه (جمادی الاولی ۱۳۳۶) بیش از ۱۸ ماه است که در پرلین است . از اشخاص تربیت شده عالم دوره جدید ایران است و از معاریف فرقه دمکرات .

وکیل الرعایا

حاجی شیخ محمد تقی وکیل الرعایا جزو دلال های همدان و اصلاً نیز همدانی است . در سابق از مشروطیت بشغل دلال امورات تجارتنی مشغول و معروف بود که اختلال دماغی در او هست که گاهی شدت میکند . در تاریخ ۱۳۲۵ دوره اول مشروطیت از طرف همدان وکیل گردید و بطهران آمد و در میان مردم شهرتی بدرستی و امانت پیدا کرد . در دوره دوم ۱۳۲۷ نیز از همدان وکیل گردید و این دفعه در امورات دولتی مخصوصاً مالیه مداخلات و مدتی هم شغل اسمی داشت از این راه یا از راه های غیر مشروع دیگر ثروت معتابهای جمع کرد و مشغول کار کاسبی گردید و این دفعه اختلال دماغ او از این راه شدت کرد و حالیه که شهر صفر ۱۳۳۶ است در طهران مشغول تجارت و کاسبی است و سن او قریب به پنجاه سال است .



میر هاشم تبریزی

از طایفه حاجی میر مناف صراف تبریزی . سابق در تبریز شغل شاگرد بزازی داشت . در حدود ۱۳۱۸ بعنوان تحصیل بنجف مسافرت کرد و بعد از چند سالی بتبریز مراجعت نمود و خود را جزو متجددین بشمار آورد . در تاریخ ۱۳۲۴ که بعضی از اهالی تبریز بقونسولخانه انگلیس متحصن شدند سر دست و تفریه گردان همین میر هاشم بود . پس از خروج از قونسولخانه انجمنی تشکیل دادند که بعد ها انجمن ایالتی آذربایجان گردید . بالاخره اول شخص تبریز و جزو رجال فعال آذربایجان و اول شخص مشروطه طلبان در تبریز گردید و بنای فساد کاری و اذیت اهالی را گذاشت و بقدری شیطنت کرد که اهالی تبریز دکانین را بستند و خروج او را از شهر از دولت خواستند و او هم بطهران روانه شد و بقدری در طهران با تبریز مکاتبه کرد که اهالی تبریز از ترس اینکه مبدا بزودی مراجعت کند او را از طرف آذربایجان وکیل کردند (؟ ۱۳۲۵) . بعد از یکی دو ماه بتبریز مراجعت کرد ، در طهران هم با محمد علی میرزا بند و بست را

محکم نموده انجمنی بنام اسلامیة تشکیل داد و بر ضد مشروطیت شروع بافدامات کرد و این تصادف کرد بانوپ بستن مجلس . بالاخره مدت یکسال چه در شهر و چه در خارج شهر بضدیت مردم مشغول بود و یک دفعه هم مجروح گردید . در اواخر دوره استبداد محمد علی میرزا بطهران آمد و بعد از ختم گرفتار آمد و در میدان تویخانه بدار آویخته شد . سن او بیش از ۴۵ سال نبود .

میرزا هاشم آشتیانی

پسر حاجی میرزا حسن مجتهد معروف آشتیانی ساکن طهران . سن او بیش از ۴۵ سال نیست . در زمان پدرش جزو آقا زاده های بی شغل طهران و مشغول اصلاح امورات مردم نزد پدرش بطوری که در ایران معمول است بود . وطوری نبود که عامه از وضع رفتار او خوشوقت باشند و از همین راه تمولی هم جمع کرد . در دوره سیم (۱۳۳۳) مجلس اگر چه او هم جزو فرقه اعتدالیون بود ولی چون نامزد و کالت نبود بر خلاف اعتدالیون دسته تشکیل داد و خود را نامزد و کالت کرد و از طرف طهران وکیل گردید .



حاجی میرزا یحیی دولت آبادی

پسر حاجی میرزا هادی دولت آبادی اصفهانی [دولت آباد قریه ایست بمسافت دو فرسخ در شمال شرقی اصفهان] پدرش از معارف علمای اصفهان بود و معروف بازلت بود . حاجی میرزا یحیی قبل از همه کس در طهران در حدود سال ۱۳۱۵ شروع بتأسیس مدارس ابتدائی طرز جدید از قبیل مدرسه سادات ، کمالیه و ادب کرد . از ادبیات ایرانی بهره مند است . اسفار متعدده با رویا کرده . سن او قریب ۵۴ است . در موقع تصمیم حرکت سلطان احمد شاه در محرم ۱۳۳۴ بمناسبت حمله روسها بطهران او هم با سایر مهاجرین بمقام حرکت کرد و بعد بیروجرد و کرمانشاه رفت و بالاخره مدت یکسال بیشتر در اسلامبول اقامت کرد و حالیه (محرم ۱۳۳۶) در استکلم توقف دارد . در ۱۹۱۱ از طرف ایران نمایندگی ایران را در کنفرانس بین المللی لندن داشت . کتاب علی از تألیفات ایشان است (۱) .

یمین الملک (حاجی میرزا علی خان معز السلطان)

سن او نزدیک به شصت سال است . شغل سابق او در جزو مستوفیهای وزارت دفتر مستخدم وزارت دفتر بود . در موقعی که گمرک ایران در تحت اداره مسیو نر بلژیکی در اواخر سال ۱۳۱۷ تشکیل گردید یمین الملک که آن وقت معز السلطان لقب داشت اوّل بسمت مترجمی و بعد معاون کلّ مسیو نر منتخب گردید و در مدت چند سال که تقریباً شش سال مدت خدمت او بود ثروت زیادی تحصیل کرد . پس از خروج مسیو نر از گمرک تقریباً در سال ۱۳۲۲ او هم خارج شد و نتوانست در ایران بماند و بطرف عراق رفت و مدتی نیز در بیروت بود و از آنجا بمکه و از مکه در مراجعت با رویا آمد و در حدود سال ۱۳۲۷ بود که بسفارت ایران در مادرید از طرف دولت ایران مأمور گردید و در حدود سال ۱۳۳۱ با ایران مراجعت کرد . در تاریخ ۱۳۳۴ که کابینه بریاست عبدالحسین میرزا فرمانفرما تشکیل گردید او هم بوزارت مالیه منصوب شد ، و نیز در کابینه ولی خان سه سالار اعظم بهمین شغل باقی بود . پس از سقوط کابینه او هم منفصل شد و حالیه (۱۳۳۶) در طهران است . بدون شغل . اخلاقاً گویا قابل تمجید نیست .

(۱) دو جمله آخر بامداد نوشته شده . (مجله یفما)

یمین الممالک (مرحوم میرزا جعفر خان)

پسر میرزا محمّدخان صدیق الممالک برادر میرزا حسن خان محتشم السلطنه . سنّ او قریب ۵۰ سال بود . جزو اجزاء وزارت خارجه ایران و مدتهای مدید رئیس اداره تذکره بود . در حدود ۱۳۲۳ کارگذار بغداد بود و بعد حکومت مازندران یافت و در حدود ۱۳۳۰ حاکم طهران گردید . از اشخاص ملائم الطبع و اخلاقاً درویش مسلک بود و از مریدان حاجی میرزا حسن صفی علی شاه بود و اصلاً از اهل نور مازندران بود . در اواخر ۱۳۴۵ در طهران در کوچه بدست يك شخص دیوانه بصرب تیشه نجاری بدون سبب دشمنی مقتول گردید .

پایان کتاب



تاریخ رجال صدر مشروطیت که از شماره خرداد ماه ۱۳۳۱ آغاز شده بود در این شماره پایان رسید . چنانکه در دوشماره پیش تصریح کردیم مؤلف این کتاب مرحوم حاج میرزا ابوالحسن علوی (۱) است که مطالب را در نهایت سادگی و روشنی نوشته و خواننده وقتی در آن تأمل کند بعلت اصلی نا استواری اساس مشروطیت واقعی در ایران بی میرد زیرا تغییر رژیم و مشروطیت ایران برای غالب اینان جز تحصیل جاه و مال مفهومی نداشته است و فرزندان همین مشروطه خواهانند که اکنون هم در این مملکت حکومت میکنند !

تکرار میکنیم که اوراق کتاب « رجال صدر مشروطیت » قطعاتی است مقوائی که بترتیب حروف الفبا تنظیم شده و بنظر میرسد که بعداً بعضی از قطعات را بعد برداشته اند زیرا از رجالی معروف که بمشروطیت ایران خدماتی شایسته کرده اند (چون جناب آقای تقی زاده) نامی نیست و نمیتوان تصور کرد که مؤلف از بیان احوال ایشان غفلت کرده باشد . اوراق غالباً بخط یکنفر کاتب است و بعضی هم بخطی دیگر . در بالای غالب اوراق بامداد نوشته شده « ترجمه شد » که معلوم میشود بزبانی دیگر (ظاهراً آلمانی) ترجمه شده .

برای اینکه نمونه اوراق را خوانندگان علاقمند ملاحظه فرموده باشند يك ورقه را بقطع اصلی گراور کردیم .

قبلاً گفته ایم که یکی از دوستان تعهد کرده است شرح احوال این رجال را بعد از سال ۱۳۳۶ هجری قمری (تاریخ تألیف کتاب) بنویسد و تاریخ رجال مشروطیت را تکمیل کند . بهر صورت تصمیم اینست که این کتاب با تصاویر و توضیحات جدا گانه بچاپ رسد و امید است بتقدیم این خدمت توفیق یابیم .

فهرست اسماء رجال کتاب در ضمن فهرست مندرجات سال پنجم مجله جدا گانه تنظیم شده است .

در سال ۱۳۳۲ هم یعنی در مجلد ششم بنما شرح احوال کسانی را که با ایمان و عقیده تمام در راه تحصیل آزادی و مشروطیت کشته شده اند و همه از مردمان غیور و شریف آذربایجان هستند بتدریج درج می کنیم و اطمینان داریم آن تألیف هم که مستند بمشهودات و دلایل استوارست مورد توجه خوانندگان محترم و اهل تحقیق و مورخین دقیق واقع خواهد شد ان شاء الله .

مجله بنما

(۱) پدر آقای بزرگ علوی نویسنده معروف معاصر .

قوام السلطنه (سیرا صفاک)

سیرا در ایام صفائی ستم سلطنه در ایام حمله فزونی خود میفرمودند و به پیش این دولت سیرا
 عثمان در سوختن که حکومت آذربایجان بود و در حدود سوختن صدارت سیرا می این دولت
 در حدود ۱۳۴۰ پیش حضرتی صدر اعظم سوختن شد و در آن وقت که بواسطه حسن نظر و یکو
 اتش و بنفش حضرتی مظفر دین شاه دار لقب بهم حضرتی که داشت وقت در سوختن حضرتی سوختن گرامی و در حدود
 سیرا در وقت بی زرفع طهران (۱۳۲۷) سوادن در در داخله و بواسطه بدین وقت زبانی که در تکیات
 و تکیات به بی بروج داد و بردارت و لغت و وزارت جنگ و ملک و مشورتی بود و حاله (۳۳۶)
 در طهران و بنفش است . تکیات آذربایری در سیرا در وزارت کشتی قوام السلطنه است . شی او
 پیشی در زخم سال نیست کتبی او در حال قابل ایران است .

سیرا در ایام صفائی ستم سلطنه در ایام حمله فزونی خود میفرمودند و به پیش این دولت سیرا
 عثمان در سوختن که حکومت آذربایجان بود و در حدود سوختن صدارت سیرا می این دولت
 در حدود ۱۳۴۰ پیش حضرتی صدر اعظم سوختن شد و در آن وقت که بواسطه حسن نظر و یکو
 اتش و بنفش حضرتی مظفر دین شاه دار لقب بهم حضرتی که داشت وقت در سوختن حضرتی سوختن گرامی و در حدود
 سیرا در وقت بی زرفع طهران (۱۳۲۷) سوادن در در داخله و بواسطه بدین وقت زبانی که در تکیات
 و تکیات به بی بروج داد و بردارت و لغت و وزارت جنگ و ملک و مشورتی بود و حاله (۳۳۶)
 در طهران و بنفش است . تکیات آذربایری در سیرا در وزارت کشتی قوام السلطنه است . شی او
 پیشی در زخم سال نیست کتبی او در حال قابل ایران است .